

تروریسم و افراط‌گرایی در خاورمیانه: ظهور داعش
محمد غلامی^۱ - دکتر اسماعیل شفیعی سروستانی^۲ - سعید محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۲

چکیده:

با تسامح می‌توان گفت در جهان امروز پدیده تروریسم به عنوان عاملی محرک برای تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... جایگزین پدیده‌های شناخته شده از قبیل انقلابها، جنگها، کودتاها، شورشها و ... شده است و باعث چالش‌هایی گردیده است. یکی از ویژگی‌های برجسته منطقه خاورمیانه بنیادگرایی اسلامی است که تنها بُعد نظری ندارد و در پهنه عمل اثرات بسیاری بر این منطقه داشته است. بنیادگرایان، با عناوین مختلف در طول چند دهه اخیر به فعالیت پرداخته‌اند. بنیادگرایی و تندروی‌های افراطی مهمترین موضوع تهدید کننده صلح و امنیت منطقه خاورمیانه می‌باشد که فهم ماهیت و پیچیدگی‌های این پدیده و تأثیر آن در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این رو پرسش بنیانی این است که ظهور و گسترش داعش و افراط‌گرایی تروریسم در خاورمیانه چه مبنایی دارد؟ داعش یکی از گروه‌های بنیادی است که با پیشروی‌هایی که در خاورمیانه انجام داده شرایط منطقه را به یک معادله چند مجهولی تبدیل نموده است. این نوشتار با بررسی تروریسم و افراط‌گرایی در خاورمیانه درصدد است تا به بررسی ظهور و گسترش داعش و افراط-گرایی تروریسم در خاورمیانه و نحوه تقویت جریان داعش در سطوح ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد. همچنین در پایان راه کارهایی برای مقابله با جریان‌های افراطی در خاورمیانه ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: تروریسم، افراط‌گرایی، داعش، خاورمیانه، امنیت

۱- دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، اصفهان، ایران: (نویسنده مسئول)
infogholami85@yahoo.com

۲- استادیار و عضو هیأت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، اصفهان، ایران
esmaeilshafiee@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، اصفهان، ایران
Smohammadi199@gmail.com

مقدمه

ماهیت بنیادگرایی اسلامی در سراسر تاریخش از سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده تا داعش و بوکوحرام، چیزی از جنس تب در ارگانیکسم موجود زنده است، نوعی واکنش و ارتعاش در مقابل پدیده‌ای ناساز و اضطراب آور. (طهماسبی، ۱۳۹۴)

با وقوع انقلاب اسلامی ایران و ارائه الگوی نظام سیاسی - دینی در مقابل لیبرال - دموکراسی غربی پتانسیل‌های اسلام‌گرایی هر چه بیشتر آشکار شد. با شروع تحولات اخیر در خاورمیانه (انقلاب‌های عربی) این فرصت به وجود آمد که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک جایگزین مناسب برای نظام‌های خودکامه خاورمیانه مطرح شود؛ اما این فرصت با رشد جریان‌های تروریسمی مانند داعش و القاعده در خاورمیانه که از طرف کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مورد حمایت قرار می‌گیرند، با چالش مواجهه شده است. (ستوده، خزائی، ۱۳۹۳: ۵)

این روزها تنها خاورمیانه بستر جنگ‌های داخلی و خونریزی‌های ناشی از اختلافات قومی و مذهبی نیست. اما ماهیت منازعه‌های خاورمیانه از سایر منازعه‌های جهان قدری پیچیده‌تر است. (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

مهم‌ترین رویدادی که در رشد و گسترش افراط‌گرایی مذهبی و خشونت فرقه‌ای موثر بوده است، تحولات افغانستان و حمله شوروی به این کشور بوده است. در واقع، وقایع افغانستان و اشغال آن از سوی شوروی را باید نقطه عطفی در فعالیت‌های افراط‌گرایی دانست در این میان، گروهک داعش را بایستی یکی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی حاضر در صحنه کشورهای اسلامی، بویژه عراق و سوریه، دانست که با اقدامات خود به ترور، خشونت و جنایت دامن می‌زند. (www.zbidari.blogfa.com)

تروریسم هر چند از ابتدای هزاره سوم، به طور ویژه در دستور کار امنیتی کشورها قرار گرفته است، اما شکل اخیر در خاورمیانه در قالب یک تهدید جدی امنیتی و در ظاهری به مراتب خشن‌تر ظاهر شده است. وجود شکاف‌های عمیق قومی - مذهبی در خاورمیانه و ژرفتر شدن این شکاف‌ها به واسطه جنگ قدرتها و خلأ امنیتی ایجاد شده، منطقه خاورمیانه را به بهشت گروه‌های افراطی همانند داعش (دولت اسلامی عراق و شام) تبدیل کرده است. قدرت گرفتن داعش در عراق و سوریه و سیطره آن بر بخش‌های گسترده‌ای از این کشورها، نه

تنها عراق و سوریه را با بحران امنیتی و تهدید سرزمینی جدی روبرو ساخته، بلکه تهدیدات و مخاطرات مهمی را برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. با توجه به خیزش داعش، می‌توان فرضیه زیر را مطرح نمود که: «سیطره داعش، تهدیدات جدی را در سطح منطقه ایجاد کرده است، که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: رشد افراط‌گرایی و تروریسم، تغییرات مرزی و تجزیه کشورهای منطقه، بروز جنگ قومی - مذهبی و تهدید جدی برای ثبات و امنیت منطقه» (مبینی کشه، آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

تعریف و سابقه تاریخی تروریسم

تروریسم اساساً پدیده‌ای سیاسی است. اما از سایر پدیده‌هایی که سیاسی هستند و در علم سیاست مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند از جمله پدیده‌های انقلاب، کودتا، شورش و امثال اینها متفاوت است. در تعریف تروریسم وحدت نظری وجود ندارد. اما صاحب نظران این حوزه در مورد یک ویژگی آن اتفاق نظر دارند و آن هم این است که تروریسم همیشه با خشونت و یا تهدید به خشونت همراه است. در سال ۱۹۹۰ وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا از تروریسم تعریف زیر را ارائه کرد: «کاربرد غیر قانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت‌ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد». تروریسم به عنوان وجهی از خشونت هم در تاریخ کشورهای غرب و هم در کشورهای شرقی، مدام اتفاق افتاده است. در تاریخ می‌توان سراغ گرفت که ترورهایی بصورت سازمان یافته علیه دشمنان سیاسی صورت گرفته است. این وضعیت تا به امروز نه تنها کمتر نشده است بلکه حتی به سمت تئوریزه شدن هم رفته است. (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۴۶)

تروریسم این روزها به یکی از شاخصه‌ها و مشکلات محوری منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. امروز کمتر کشور عربی است که از این معضل رنج نبرد، در حالیکه به راحتی می‌توان حضور سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای مسلمان و غیر مسلمان را در ساماندهی و ترسیم خطوط کلی فعالیت‌های این گروه‌ها مشاهده و لمس کرد. (www.tnews.ir)

تروریسم جدید و ابعاد آن

وقوع حوادثی نظیر ۱۱ سپتامبر، بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در ۱۹۹۳ و حمله به متروی توکیو در ۱۹۹۵ نشانه‌هایی از تغییر اساسی در تروریسم و بیانگر مسئله‌ای هستند که آن را «تروریسم جدید» می‌نامند. در جمع‌بندی کلی از مؤلفه‌های تروریسم جدید می‌توان ویژگی‌های آن را به طور خلاصه بیان کرد:

۱- تروریسم جدید به سرزمین مشخصی محدود نیست و مورد حمایت دولتی خاص قرار ندارد. امروز تروریست‌های جدید به دلیل ماهیت اقدامات خود مورد حمایت دولت‌ها نیستند و اگر دولتی از آنها حمایت می‌کند، غیر مستقیم و نامحسوس است و این ارتباط همواره انکار می‌شود. (Tucker, 2001.1-14) ۲- تروریسم جدید ماهیتی چند بعدی دارد و برخلاف تروریسم سنتی، تک بعدی نیست. به عبارت دیگر، ماهیت اقدامات تروریستی جدید جنبه‌های مختلف جنایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کلانی دارد و بر ابعاد گسترده‌ای از جوامع تأثیرگذار است. این قابلیت به دلیل گستردگی کشتار و شدت عمل و آثار تروریسم جدید است و حتی باعث تغییر کلی در دستور کار جهانی شده است. به رغم چند بعدی بودن اقدامات و آثار تروریست‌های جدید، ساختار این سازمان‌ها با وجود شبکه‌ای بودن، چندان پیچیده نیست. تروریست‌های سنتی ساختارهای مختلف اداری، سیاسی و نظامی داشتند، در حالی که تروریست‌های جدید تنها شاخه عملیاتی دارند نه سیاسی. به عبارت دیگر، تروریست‌های جدید تنها هدف‌شان خشونت صرف است، از این‌رو، نیازی به تقویت در ابعاد دیگر ندارند از سوی دیگر، تروریسم جدید به دلیل شرایط خاص شکل‌گیری و گسترش و لزوم بقا در شرایط سخت، دارای ساختاری منعطف است. ۳- ویژگی مهم تروریسم جدید استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است که باعث تغییر شکل اقدامات تروریستی شده است. تروریست‌های جدید هراسی برای استفاده از سلاح‌های شیمیایی، اتمی، بیولوژیک و رادیولوژیک ندارند و برای رسیدن به اهداف خود از کشتار وسیع با توسل به این ابزار استفاده می‌کنند. ۴- برخلاف ساختار تروریسم سنتی که عمدتاً سلسله مراتبی بود و تمام شاخه‌ها و سازمان‌های یک گروه تروریستی از بالا به پایین هدایت می‌شدند، تروریسم جدید به علت نیاز شدید به انعطاف‌پذیری، تغییر شکل داده است؛ به این معنا که لزوماً یک فرماندهی مشخص ندارد و

دستورها از مرکز واحد صادر نمی‌شود. این شبکه‌ها می‌توانند به شکل مجموعه‌ای از شبکه‌های معین در مناطق و سراسر جهان پراکنده شوند. ۵- از خصوصیات دیگر تروریسم جدید استفاده از تکنولوژی‌های جدید برای رسیدن به اهداف است. جهانی شدن، امکاناتی نو در اختیار تروریست‌ها قرار داده و همین مسئله سبب افزایش آسیب‌پذیری دولت‌ها شده است. فضای سایبر یکی از حوزه‌های مهمی است که تروریست‌ها با توسل به آن توانسته‌اند تهدیدهای سنتی امنیتی را تغییر دهند و چالش‌های جدیدی برای دولت‌ها به وجود آورند. ۶- تروریست‌های جدید برای گسترش پیام خود به رسانه‌های جمعی جهانی و به عبارت دیگر، مخاطبان گسترده جهانی نیازمندند. تروریسم جدید بیشتر تمایل دارد صحنه اقدامات خود را به نوعی تئاتر تبدیل کند که در مقابل دیدگان میلیون‌ها تماشاچی در سراسر دنیا رخ می‌دهد. در واقع، ایدئولوژی تروریست‌های جدید آنها را برای انتقال پیام به شکل جهانی رهنمون می‌شود. این هدف در دنیای جدید با پیشرفت تکنولوژی توسط رسانه‌های جهانی و ماهواره‌ها و شبکه‌های گسترده میسر شده است. ۷- تروریست‌های جدید برخلاف تروریسم سنتی، قربانیان خود را انتخاب نمی‌کنند. به عبارت دیگر، تلاش می‌شود از طریق کشتار گسترده مخالفت و با هدف تروریستی بیان شود و قربانیان به شکل تصادفی یا در محل حاضرند یا به دلیل حضور در مکان مد نظر مورد حمله قرار می‌گیرند. ۸- ویژگی دیگر تروریست‌های جدید انتخاب اهداف سمبولیک و نمادین است. آنها در تلاش‌اند به مکان‌ها و اشخاصی حمله کنند که نماد تفکر مخالف هستند و با فروپاشی آن نماد، نفرت و خشم خود را از اقدامات بانیان آن نشان می‌دهند. (گوهری مقدم، ۱۳۸۹: ۶-۱۲۵) ۹- یکی از ویژگی‌هایی که سبب شده است تروریسم جدید تهدیدی فوق‌العاده برای امنیت بین‌الملل محسوب شود، غیر قابل پیش‌بینی بودن است. در نهایت، تروریسم جدید در مقابل مظاهر جهانی شدن در ابعاد مختلف قرار گرفته است. ولی نکته جالب و طنزآمیز آن است که تروریست‌های جدید در ابعاد مختلف خود نظیر عضوگیری، عملیات، اهداف، ابزارها و... از جهانی شدن نهایت استفاده را می‌کنند. (Campbell, 2000: 21) ۱۰- ایدئولوژی نیز یکی از وجوه ممیزه اصلی تروریسم جدید با تروریسم سنتی است. انواع مختلف ایدئولوژی در شکل‌گیری و گسترش

اقدامات تروریستی و در پاسخ به سرکوب و به حاشیه رانده شدن هویت افراد و گروه‌های مختلف به خصوص در جوامع فقیر و نادر مورد استناد قرار گرفته است. (Brown,2007.31-5)

چگونگی پیدایش داعش

دولت اسلامی عراق و شام یا داعش، گروهی منشعب از القاعده هستند که از منظر گرایش‌های عقیدتی و فکری و همچنین جنبه رفتاری، رویکرد یکسانی با القاعده دارد. با این حال رفتار این گروه تروریستی در طول یک دهه گذشته و به خصوص چند سال اخیر، نشان می‌دهد که این گروه در مقایسه با القاعده دارای افکار رادیکال‌تر و اعمال خشونت‌آمیزتری می‌باشند. داعش با توجه به جدایی از القاعده و پیدایش اختلافاتی بین آن دو به عنوان مخوف‌ترین و قدرتمندترین گروه تروریستی در منطقه خاورمیانه ظهور کرده است. (Gerges,2005.105)

«داعش» یک گروه تروریستی با تفکرات سلفی-تکفیری است. کلمه د/ع/ش یک اصطلاح رسانه‌ای است که حروف اختصاری «دولت/اسلامی/عراق/وشام^۱» می‌باشد. در حال حاضر این گروه به «دولت اسلامی» تغییر نام داده است. (مطالعات سیاسی معاونت سیاسی، ۱۳۹۳: ۷)

هر چند که داعش در شکل کنونی آن محصول بحران سوریه و گسترش اختلافات و منازعه‌های منطقه‌ای بعد از ۲۰۱۱ است، اما ریشه‌ها و روند قدرت گرفتن آن به دوره پس از حکومت صدام در عراق، یعنی از سال ۲۰۰۳ به بعد مربوط است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت و فضای مناسبی را برای حضور و نقش‌آفرینی گروه‌های مسلح و تروریستی مختلف از جمله گروه‌های مرتبط با القاعده در این کشور به وجود آورد. بر این اساس در ابتدا گروه‌های مسلح مختلفی به خصوص در سال‌های پس از ۲۰۰۴ در عراق ظهور کرد که با جذب نیرو و منابع مالی در تلاش برای مقابله با نیروهای نظامی آمریکایی و عراقی بودند. اما با این حال اقدامات نظامی و امنیتی مخالفان، به تدریج گسترش یافت و علاوه بر دولت و نیروهای نظامی - امنیتی جدید، مردم و گروه‌های مختلف عراقی را نیز در بر گرفت. این نوع فعالیت‌های نظامی و اقدامات تروریستی در پی ایجاد فتنه مذهبی و جنگ داخلی در عراق است. یکی از مهمترین این گروه‌ها القاعده عراق بود که به تدریج به اصلی‌ترین گروه تروریستی در عراق

¹ - The Islamic state of Iraq and al-sham (ISIS)

تبدیل شد و بیشترین انفجارها و اقدامات تروریستی در این کشور از سوی این گروه صورت گرفت. از جمله مهمترین اقدامات القاعده عراق که در پی ایجاد فتنه مذهبی و جنگ داخلی در عراق بود، انفجار حرم شریف عسگرین در سامرا در سال ۲۰۰۶ بود. (Katzman, 2008: 10) این تشکل، عملیات تروریستی خود را به اندازه‌ای گسترش داد که به یکی از قویترین گروه‌های مسلح در عراق تبدیل شد و شروع به افزایش نفوذ خود در مناطق گسترده‌ای از عراق کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۶، زرقاوی به صورت علنی تشکیل «شورای مجاهدین» به سرگردگی عبدالله رشید البغدادی را اعلام کرد. پس از کشته شدن زرقاوی توسط نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۰۶، ابوحمزه المهاجر به سرکردگی این گروه تعیین شد و در پایان همان سال دولت اسلامی عراق و شام به سرگردگی ابو عمر البغدادی نیز اعلام موجودیت کرد. (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۱۴) این گروه تروریستی بعد از اعلام موجودیت، چندین عملیات مسلحانه در داخل عراق انجام داد.

سازمان القاعده در عراق، در سال ۲۰۱۰ میلادی با کشته شدن ابویوب مصری و ابو عمر البغدادی^۱ از رهبران جماعت موسوم به دولت اسلامی در عراق از این کشور خارج شد و تنها گروه‌های داخلی عراقی که رویکردهای وابسته با القاعده داشتند، در این کشور باقی ماندند که در سال ۲۰۱۳ نیز این گروه با تغییر رویکرد، عنوان دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را برای خود برگزید و وارد سوریه شد. (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱۴۵)

دولت اسلامی عراق تا سال ۲۰۱۰، شاهد کاهش نقش خود در این کشور بود. پیشرفت روند سیاسی و مشارکت سنی‌ها در این روند، بهبود راهبردها و افزایش کارآمدی نیروهای امنیتی عراق از جمله عوامل موثر در این خصوص به شمار می‌آید. با این حال نوع رویکرد این گروه در مناطق سنی نشین نیز از مولفه‌های تاثیر گذار در تضعیف القاعده عراق بود. القاعده عراق که از نارضایتی بخشی از سنی‌های عراق به عنوان بستری برای افزایش نقش آفرینی خود استفاده می‌کرد، با رویکردهای رادیکال و اقدامات خشونت بار خود باعث اختلاف با سنی‌ها شد. بر این اساس این دو گروه که در ابتدا دارای منافع مشترک مقطعی و شکننده بودند، با وقوع برخی تحولات در مقابل هم قرار گرفتند و اتحاد اولیه آنها به خصومت و تقابل

^۱ - ابوبکر البغدادی به عنوان جانشین ابو عمر البغدادی انتخاب گردید

تبدیل شد. (اسدی، ۱۳۸۸: ۲۴۳) با وجود تضعیف دولت اسلامی عراق در نتیجه حذف رهبران و اقدامات نظامی- امنیتی نیروهای آمریکایی و عراق و همچنین نارضایتی سنی‌ها از رویکرد خشونت‌آمیز گروه‌های تروریستی، بحران سوریه نقطه تحول جدی در احیای تشکیل دولت اسلامی و افزایش نقش آفرینی القاعده در عراق و سوریه بود. چند ماه پس از آغاز بحران سوریه، گروه‌های مسلح برای جنگ با سوریه تشکیل شد. در اواخر سال ۲۰۱۱، گروه موسوم به جبهه النصره به سرکردگی ابو محمد الجولانی تشکیل شد و طولی نکشید که توانمندی این گروه تروریستی با توجه به حمایت‌های گسترده برخی کشورهای منطقه‌ای به طور چشمگیری افزایش یافت تا در طول چند ماه به یکی از مهمترین و قدرتمندترین گروه‌های مسلح در سوریه تبدیل شد. این گروه همچنان به حملات مسلحانه خود ادامه داد تا اینکه گزارش‌ها و اطلاعات از رابطه فکری و تشکیلاتی این گروه با شاخه دولت اسلامی عراق پرده برداشت و پس از آن، آمریکا این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی خود قرار داد.

در ۹ آوریل ۲۰۱۳، در یک پیام صوتی که از طریق شبکه موسوم به شموخ الاسلام پخش شد، ابوبکر البغدادی اعلام کرد که جبهه النصره، امتداد دولت اسلامی عراق است و تشکیل «دولت اسلامی عراق و شام» با ادغام جبهه النصره و دولت اسلامی عراق اعلام شد، اما ابو محمد الجولانی ایده ادغام با این گروه را نپذیرفت و بیعت خود را با شبکه القاعده تحت رهبری ایمن الظواهری اعلام کرد. هرچند دولت اسلامی عراق و شام و جبهه النصره چندین عملیات تروریستی مشترک را در مناطقی در عراق و سوریه انجام دادند، اما به تدریج نه تنها دامنه اختلافات و منازعه‌های داعش و جبهه النصره افزایش یافت، بلکه اختلاف مهمی بین ابوبکر بغدادی و ایمن الظواهر پدیدار شد. در حالی که ابوبکر بغدادی خواستار تمرکز فعالیت‌های القاعده در عراق و سوریه تحت لوای دولت اسلامی عراق و شام و رهبری خود بود، ایمن الظواهری خواستار محدود شدن فعالیت‌های این گروه به عراق و فعالیت‌های القاعده در سوریه در قالب جبهه النصره بود. اینگونه اختلافات باعث شد تا داعش خود را از القاعده جدا اعلام کند و همچنین القاعده هرگونه وابستگی داعش به خود را رد کرد. بر این اساس داعش به عنوان گروهی رادیکال‌تر از القاعده به صورت جدی در دو حوزه عراق و سوریه به فعالیت

پرداخت. داعش که با سایر گروه‌های مسلح در سوریه نیز مخالف است، حتی به جنگ در برابر گروه‌هایی مانند جبهه النصره و ارتش آزاد سوریه پرداخت. (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۱۹)

داعش در واقع نسل دوم تروریسم و افراطی‌گری القاعده به شمار می‌رود که اگر زمانی القاعده غیر مسلمانان را هدف قرار می‌داد، امروزه داعش و گروه‌های مشابه، مسلمانان را نیز قربانی می‌کنند. یکی از گزارش‌های اطلاعاتی انگلیس که در نشریه تایمز این کشور به چاپ رسیده نشان می‌دهد، ابوبکر البغدادی اساساً بازتولید سیاست‌های آمریکا در منطقه، به ویژه در سوریه و مرتبط با سازمان‌های جاسوسی این کشور است. (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

داعش فقط یک گروه تخریب‌گر است. به صورت عمومی، گروه‌های افراط‌گر، با هر باوری که ادعای آن را دارند، در نقطه‌ای از روند توسعه خود به یک گروه مخرب تبدیل می‌شوند. داعش نیز استثنا نیست. این گروه، کار خود را به عنوان یک گروه مخرب با یک ساختار قدرت خودکامه، خود خوانده و سلطه‌گر آغاز کرد. از شیوه‌های کنترل اجباری ذهن برای نفوذ در جنگجویان خود برای اعمال بی‌رحمی و شیوه‌های متفاوتی برای جذب نیرو استفاده می‌کند که از جمله آنها رسانه‌های اجتماعی هستند. این گروه، سرزمینی را با بی‌رحمی و ارباب در کنترل خود گرفته است. (برگرفته از مقاله دکتر ظریف www.irinn.ir)

زمینه‌های پیدایش و گسترش داعش و افراط‌گرایی

هر چه عناصر فرهنگ و سبک زندگی مدرن بیشتر در جوامع خاورمیانه نفوذ کرده و میزان برخورد و تماس آنها با لایه‌های اجتماعی کهن بیشتر شده، وسعت و خشونت واکنش بنیاد گرایانه شدت گرفته است. به بیان دیگر هر چه امکان همچون گذشته زیستن و از عناصر اجتماعی و فرهنگی مدرن در امان بودن کمتر شده، بنیادگرایی پر حجم‌تر و خشن‌تر شده است. سیستم‌های اجتماعی فکری به دو شکل تغییرات کلان را تجربه می‌کنند. حالت اول زمانی است که عناصر سازش‌گرا و تلفیق‌گر در سیستم دست بالا را می‌یابند. آنها ترکیبی از تداوم و استحاله تدریجی سیستم را انتخاب می‌کنند تا از وقوع یک تغییر انفجاری و بنیان کن پیشگیری کنند. البته این امر لزوماً در دراز مدت تضمین شده و بی‌گسست نخواهد بود. حالت دوم مربوط به زمانی است که یا عناصر سازش‌گرا از آغاز قدرت چندانی ندارند و یا اینکه در طول زمان راهبرد آنها کم اثر شده و از سیر تغییرات محیط داخلی و خارجی سیستم عقب

می‌مانند. در این شرایط پاک باخته‌ترین و خشن‌ترین عناصر واپس‌گرای سیستم در قالب جنبش‌های انقلابی ارتجاعی بر صحنه ظاهر شده و منطق بازی را به حالت مرگ و زندگی تغییر می‌دهند. آنها نه تنها به عناصر نوگرا بلکه به محافظه کارترین لایه‌های تلفیقی و مردد سیستم اعلان جنگ می‌دهند. نوع بازی و میدانی که آنها انتخاب می‌کنند ناگزیر سرعت و شدت تغییرات را به طور تصاعدی افزایش خواهد داد. اگر پیروز شوند ناب‌ترین و سخت‌گیرانه‌ترین روایت‌های سیستم کهن حاکم شده و تمام عناصر نو یا تلفیقی از میان می‌روند، اما اگر شکست بخورند، تمامی منابع و انرژی محافظه کارانه موجود در سیستم چه درون خود و چه درون عناصر تلفیقی و مردد را مصرف کرده‌اند. (طهماسبی، ۱۳۹۴)

الف) زمینه‌های ملی و داخلی

بازماندگان حزب بعث و نداشتن سهم در قدرت عراق

اهل سنت باقی مانده از حزب بعث و رهبران قبایل، از زمانی که دولت شیعه، در عراق قدرت را بدست گرفت سهم کمی در قدرت داشته‌اند. بنابراین رهبران جوان قبایل به حمایت و پشتیبانی داعش برخاستند. قیامی که در استان انبار و موصل آغاز شد بطور گسترده‌ای توسط قبایل سنی منطقه حمایت شد. نباید فراموش کرد که سنی‌ها در اثر جنگ عراق و حملات ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ همه چیز خود را از دست دادند از جمله آن می‌توان به انحلال ارتش در عراق اشاره نمود. آنها اکنون به شکلی دست به اقدامات تلافی جویانه زده‌اند. (Friedman, New Yourk Times, 2014/09/17)

ناکارآمدی ارتش عراق

تاکنون هیچ کس قادر به کنترل واقعی موصل نبوده است. در گذشته صدام حسین نیز تقریباً هیچ کنترلی بر این شهر نداشت. مراکز استراتژیک شهر موصل می‌تواند با نیروهای نظامی به سادگی از خود دفاع کند. موصل همواره یک شهر سرکش بوده است. به علاوه ارتش کنونی عراق تنها بر روی کاغذ وجود دارد. میلیاردها دلار برای آموزش ارتش سرمایه گذاری شد ولی این دلارها برای امور دیگری به مصرف رسید. سنی‌ها فقط در انتظار زمان و شرایط مناسب و اشتباهات دولت بودند که عملیات تهاجمی خود را آغاز کنند. در نهایت با خروج

نیروهای نظامی امریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ این شرایط فراهم شد. اوضاع عراق را نمی‌توان به سادگی بعنوان یک مشکل تروریستی در نظر گرفت. (Cristopher, 2014)

ب) زمینه‌های منطقه‌ای

مقابله با حزب الله لبنان

طلیعه پیدایش جریان جدید تکفیری تحت عنوان داعش به اواسط بحران سوریه بر می‌گردد. نقطه حرکات اولیه این جریان ابتدا از شهر صیدا و مخالفت‌های یکی از شیوخ تکفیری اهل سنت به نام احمد الاسیر در مقابله با حزب الله لبنان بود. احمد الاسیر، اقدام به یارگیری و تنظیم کادر خود از بین جوانان متعصب اهل سنت صیدا و طرابلس به منظور مقابله با حامیان سوریه و بشار اسد کرد. جنبش حزب الله لبنان و مقاومت اسلامی مخاطب اصلی این گروه در جنوب لبنان بوده است که در نهایت منجر به درگیری رودرو با ارتش و جمع شدن آنها از شهر صیدا و فرار احمد الاسیر شد. (محمد ایرانی، ۱۳۹۳)

مخالفت عربستان با حمایت ایران از دولت سوریه

دومین بروز و ظهور داعش در حادثه انفجار سفارت جمهوری اسلامی ایران بود. بهانه این اقدام تروریستی خون بار، حمایت ایران از دولت سوریه بود. گروه عبدالله عزام آن را بر عهده گرفت. این موج حضور تکفیری‌های داعش در لبنان تا امروز ادامه یافت و انفجارهای سه گانه در بقاء و ضاحیه در یکی از هتل‌های بیروت پای دو تن از اتباع عربستانی و دوباره گروه عبدالله عزام و داعش را وارد این ماجرا کرد. (ایرانی، ۱۳۹۳)

نکته قابل تامل نفوذ امنیتی این گروه تروریستی در جای جای مناطق لبنان است که بدون داشتن اطلاعات دقیق امنیتی و بدون پوشش خارجی و تامین مالی و تسلیحاتی بیرونی، عملیات آنان امکانپذیر نیست. از ابتدای حضور تکفیری‌های سلفی اعم از لبنانی یا فلسطینی یا اتباع دیگر عربی مانند عربستان سعودی در کشور لبنان، منشا تامین خارجی این جریان‌ها یکی بوده و هدایت آن از مرکزیت واحدی برخوردار است.

ماهیت مزدوری گروه داعش و دریافت کمک‌های مالی از ترکیه- عربستان و یا امریکا

آنچه مسلم است، اینست که در عربستان سعودی برای داعش پول و کمک‌های مالی ارسال می‌نمایند. ترکیه به داعش برای نفوذ در سوریه کمک کرد. ولی اینکه آنها اکنون از این

موضوع فراتر رفته‌اند هنوز در حال‌های از ابهام است. (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۰۸)

ج) زمینه‌های بین‌المللی

دکترین غلط تغییر رژیم با توسل به زور

در واقع چالش از زمانی رخ داد که نئومحافظه کاران در آمریکا تصمیم به انحلال ارتش عراق در ماه مارس سال ۲۰۰۳ گرفتند. ارتشی که نقش انسجام دهنده‌ای در مجموع نیروهای سیاسی عراق بر عهده داشت. تخریب ارتش به معنی دگرگونی ساختار نظامی - دولتی و آغاز آشوب‌ها، هرج و مرج و در نتیجه جنگ داخلی بود. بخشی از سیاست‌مداران آمریکایی نیز اکنون از اوپاما انتقاد می‌کنند. چون اوپاما در جنگ سوریه دخالت نکرد شورش و انفجار و جنگ به عراق کشیده شد. ارتش آزادی بخش هرگز وجود خارجی نداشت. غیر ممکن بود پیش بینی شود که سلاح‌های ارسال شده توسط ایالات متحده به دست چه کسانی می‌افتد. در واقع ریشه مشکلات به سال‌های ۲۰۰۳ باز می‌گردد. هنگامی که ایالات متحده دکترین «تغییر رژیم» را با توسل به زور در شرق مدیترانه به تصویب رساند. این دکترین مشوق جنگ داخلی و فرقه‌ای شد. (Friedman, New Yourk Times, 2014/09/17)

د) زمینه‌های ذهنی

احساس عدم امنیت و تهدید هویت

تغییر و تحولات سریع علوم ارتباطات و در نوردیده شدن مرزهای فیزیکی توسط مخابره آسان پیام الکترونیکی در سراسر جهان موجب شد تعاریف دیگری از اشکال امنیت و امنیتی شدن یک موضوع به منصفه ظهور برسد. اگر امنیت همیشه از آن دولت باشد معنای ضمنی‌اش آن است که امنیت دولت در نقطه مقابل جامعه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر ممکن است خود جامعه ناامن ولی درجه امنیت اجتماعی بالا باشد. در حوزه اجتماعی مرجع، امنیت هر جمعی است که از نظر هویتی بقای خود را در معرض تهدید می‌بیند. (باری بوزان، ۱۳۸۳: ۳ - ۸۲)

عوامل موثر در ایجاد داعش

الف) تاثیر بازیگران منطقه‌ای

محیط و بازیگران منطقه‌ای می‌توانند در پیشبرد مسایل سیاسی، امنیتی و اقتصادی هر کشور نقش عمده‌ای ایفا کنند و با تأثیرگذاری بر روندهای درونی یک واحد سیاسی آنها را با

پیشرفت بهتر و یا چالش مواجه نمایند. در کشورهای توسعه نیافته‌ای چون کشورهای خاورمیانه به دلایلی نظیر عدم پیشرفت فرآیند دولت - ملت سازی و پایین بودن سطح انسجام اجتماعی - سیاسی، فقدان کانال‌های ارتباطی و پیوستگی لازم بین دولت و گروه‌های اجتماعی و همچنین سطح پایین توسعه یافتگی اقتصادی، قابلیت تأثیرگذاری بازیگران خارجی بر روندهای درونی کشورها افزایش می‌یابد. (Cordesman, 2014.3/11)

بنابراین، از مولفه‌های مهمی که در افزایش توان و نقش آفرینی داعش نقش داشته است، گسترش اختلافات و رقابت‌های بین بازیگران منطقه‌ای در چند سال گذشته در نتیجه بحران‌های جدید منطقه‌ای از جمله در سوریه، مصر، بحرین و سایر کشورهای عربی محسوب می‌شود. این بحران‌ها باعث افزایش اختلافات و رقابت بین بازیگران منطقه‌ای مانند ایران با عربستان سعودی و قطر شد و تلاش برخی از بازیگران عربی برای بهره‌گیری از گروه‌هایی مانند داعش، برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود در منطقه را در پی داشت. عربستان سعودی و قطر علاوه بر اینکه از گروه‌های مخالف در سوریه برای رسیدن به سیاست تغییر رژیم در این کشور استفاده می‌کنند، سعی دارند با حمایت از داعش از این گروه برای تغییر شرایط در عراق نیز استفاده کنند. (اسدی، ۱۳۹۳: ۷۷)

ب) تاثیر بازیگران بین‌المللی

بیش از یک قرن از شکل‌گیری خاورمیانه با مرزبندی‌های کنونی می‌گذرد، اما بحران‌های متعدد همچنان این منطقه را دستخوش بی‌ثباتی می‌سازد. موقعیت استراتژیک و نقش خاورمیانه در بازی قدرت‌های بزرگ، برخورداری از ذخایر عظیم انرژی، همراه با شکاف‌های قومی - مذهبی، این حوزه را به عرصه تعارضات داخلی و نفوذ گسترده خارجی در ۱۰۰ سال اخیر تبدیل کرده است. (مبینی کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۳۴) می‌توان گفت، سیاست‌های خصمانه غلط آمریکا و متحدان غربی - عربی آن در حمایت از تروریست‌ها در سوریه، نهایتاً موجبات رشد و تقویت گروه‌هایی چون داعش را در منطقه فراهم آورد. در واقع بحران کنونی عراق به نوعی نتیجه سیاست‌های نادرست خاورمیانه‌ای آمریکا و به ویژه اقدامات غلط آن در سوریه است. یکی از گزارش‌های اطلاعاتی انگلیس که در نشریه تایمز این کشور به چاپ رسید، نشان می‌دهد، که ابوبکر البغدادی اساساً بازتولید سیاست‌های آمریکا در منطقه، به ویژه

در سوریه و مرتبط با سازمان‌های جاسوسی این کشور است. همچنین جمعیت شخصیت‌های اسلامی و مسیحی فلسطین اشغالی نیز در بیانیه خود بر این نکته تأکید کرده است که داعش ساخته و پرداخته آمریکا و با هدف سرگرم نمودن مسلمانان از خطر صهیونیسم و حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی است. (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱۹۸)

شاکله، حامیان و عوامل پیشرفت قدرت داعش

در یک جمله حامیان آنها، نیروها و فرماندهان کارآمد حزب بعث، نزدیکان و اقوام صدام، فراریان و جدانشدگان دولت عراق و سوریه و مجاهدین و جنگجویان اروپایی، بوسنی، لیبی، افغانستان، پاکستان و ... هستند. (قادری و نادرزاده، ۱۳۹۳: ۵ - ۱۴۴)

اگر تاریخچه داعش را بررسی کنیم رد پای عربستان را در شکل‌گیری آنها به خوبی می‌توان مشاهده کرد، در حالیکه مطالعه خاطرات سیاستمداران و ماموران امنیتی بازنشسته آمریکایی از نقش آفرینی سازمان‌های اطلاعاتی این کشور در شکل‌گیری این گروه‌ها خبر می‌دهند. امروز از عربستان، ایالات متحده آمریکا، امارات متحده عربی، قطر و ترکیه به عنوان مهمترین کشورهای حامی گروه داعش یاد می‌شود، در حالیکه کشورهایایی همچون اردن، کویت، تونس و چند کشور دیگر عربی و حتی کشور اسلامی همچون پاکستان به نوعی این کمک‌ها را به عنوان حق السکوت و باج به گروه داعش و گروه‌های نزدیک به آن پرداخت کرده یا حداقل برای جلوگیری از خشم این گروه، چشم خود را بر کمک‌های ارسال شده توسط هم فکرا نشان که در این کشورها فعالیت دارند، می‌بندند. (www.tnews.ir)

«مایکل جاسودوفسکی» استاد دانشگاه اتاوی کانادا معتقد است: اقدامات آمریکا در حمایت از داعش در چارچوب اهداف بلند مدت واشنگتن صورت گرفت. امروز داعش در چارچوب طرح‌ها و برنامه‌های بلند مدت سازمان‌های پدرخوانده خود به ثروتمندترین سازمان تروریستی جهان تبدیل شده، حجم پول و دارایی‌های چپاول شده توسط این گروه در موصل، داعش و البغدادی را در جرگه ثروتمندهای جهان قرا ر داده است. (Ibid)

بی شک داعش از لحاظ ایدئولوژیکی یک جریان سلفی چون القاعده است، اما از سایر جنبه‌ها چون فعالیت‌ها و تاکتیک‌های نظامی مجزا عمل می‌کند. به بیان دیگر آنها فقط به فعالیت‌های محدود چریکی اکتفا نکرده‌اند و قلمروگشایی و فتح سرزمین‌های دیگر و گسترش

قلمرو اسلامی از مهم‌ترین مبانی جنگ این گروه است. داعش بهترین سیاست جنگی را اعمال می‌کند و از طریق فشار و نفوذ در گروه‌های مردمی و عشایری، عملیات‌های انتحاری از داخل را سازماندهی می‌کند. داعش اهمیت خاصی برای فتح مناطقی قائل می‌شود که دارای منابع انرژی باشند، از جمله نفت که هم استخراج و هم فروشش در منطقه آسان است. این تاکتیک علاوه بر سرمایه و قدرت مالی برای داعش، تضعیف رقبا را نیز با خود به همراه می‌آورد. (قادری و نادرزاده، ۱۳۹۳: ۱۴۴) بنا به گفته همدست ابوبکر البغدادی در مناطق تحت اشغال داعشی‌ها شمار زیادی مشاور و فرمانده نظامی ترکیه‌ای حضور دارند که از طریق وضع طرح‌های نظامی و نظارت بر آن و آموزش جنگجویان به داعش خدمت می‌کنند. بر اساس اعترافات این سرکرده داعشی، بیش از ۹۰ درصد تروریست‌های خارجی از طریق فرودگاه استانبول ترکیه با اطلاع ترکیه و از طریق هماهنگی با آن وارد می‌شوند و در گروه تروریستی داعش، ۵۰ تروریست حضور دارند که به عنوان متخصص در ماموریت‌های ویژه خوانده می‌شوند و با انواع سلاح‌های سبک، سنگین، سامانه‌های موشکی و توپخانه‌ای آشنایی دارند که بیشتر آنها از سرکردگان بعثی صدامی هستند و به طور مستقیم با خلیفه (ابوبکر البغدادی) ارتباط دارند و تجارب نظامی آنها به کشورهای همسایه از جمله ترکیه منتقل می‌شود. کارشناسان و متخصصان سلاح‌های شیمیایی و میکروبی با تابعیت رژیم صهیونیستی هم در گروه تروریستی داعش فعالیت می‌کنند. (www.tabnak.ir)

منابع مالی داعش

عناصر گروه داعش مانند «جبهه النصره» از بی‌رحم‌ترین تروریسم‌های حاضر در سوریه و عراق هستند. فیلم‌ها و تصاویر منتشر شده از جنایت‌های این گروه تروریستی موجب شد که حامیان گروه‌های مسلح در سوریه مدعی شوند که از این گروه حمایت نمی‌کنند. حتی برخی از گروه‌ها نیز برای افزایش دریافت حمایت‌های بین‌المللی خود را مخالف این گروه جلوه داده و با داعش وارد جنگ شده‌اند.

با توجه به گستردگی کمک‌های مالی، تسلیحاتی و لجستیکی که با آغاز جنگ در سوریه به این کشور سرازیر شده است، تلاش گروه‌های مسلح به ویژه داعش برای دستیابی هر چه بیشتر این کمک‌ها و سلطه بر گروه‌های دیگر، شدت گرفت که این امر موجب آغاز جنگ و

درگیری گروه‌های مسلح با یکدیگر شد. اما با وجود اعلام برائت حامیان گروه‌های مسلح از داعش و جبهه النصره، کمک‌های حامیان خارجی همچنان به دست این دو گروه می‌رسد. این کمک‌ها در قالب حمایت‌های مالی، تسلیحاتی، لجستیکی، اطلاعاتی، آموزشی و غیره از سوی حامیانی مثل عربستان، قطر و ترکیه به همراه چند کشور غربی، موجب ادامه جنگ و ویرانی در خاورمیانه شده است. همچنین این گروه برای حمایت مالی اعضای خود، به منابع نفتی واقع در شرق سوریه وابسته است. سلاح و مهمات این گروه نیز بیانگر حمایت گسترده مالی و تسلیحاتی طرف‌های منطقه‌ای مانند عربستان و قطر از این گروه تروریستی است. (قادری و نادرزاده، ۱۳۹۳: ۱۴۸) پیشروی سریع، انتقال و سازماندهی تروریست‌های داعش بین مرزهای سوریه و عراق و ترکیه و دستیابی این گروه به انواع سلاح و مهمات و تجهیزات پیشرفته، بدون در اختیار داشتن منابع مالی و تسلیحاتی و حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. به عقیده کارشناسان، گروه تروریستی داعش اکنون در مقایسه با دیگر گروه‌های تروریستی از حمایت‌های بیشتری در این زمینه برخوردار است. (العالم، ۱۳۹۳)

منابع عراقی گزارش دادند معاون ابوبکر البغدادی ملیت عراقی دارد و از سرکردگان بعثی صدامی در دوران حکومت صدام معدوم به شمار می‌رفت، وی که به دام دستگاه‌های امنیتی عراق افتاده است، اعترافات خطرناکی درباره ساختار داعش و شخص ابوبکر البغدادی بر زبان جاری کرده است. این جنایتکار داعشی اعتراف کرده است که منابع مالی داعش تنها از طریق فروش نفت (سرقتی) تامین نمی‌شود، بلکه این گروه تکفیری منابع مالی ویژه‌ای هم دارد به طوری که داعش، نفت را از طریق دولت ترکیه به کشورهای مختلف می‌فروشد. اما دیگر منابع مالی داعش از طریق کشورهای حامی این گروه تکفیری تامین می‌شود که در راس آنها رژیم‌های عربستان، قطر، امارات و بحرین قرار دارند. (www.tabnak.ir)

بر اساس اعترافات این سرکرده داعشی میزان دلارهای ارسالی از سوی شیوخ عرب حاشیه خلیج فارس برای گروه تروریستی داعش به این شرح است: حکومت قطر: ۱۲۰ میلیون دلار- آل سعود: ۵۰ میلیون دلار- شیخ نشین امارات: ۳۵ میلیون دلار- حکومت بحرین: ۱۲ میلیون دلار- کویت: یک میلیون و ۸۵۰ هزار دلار

مبالغ فوق از طریق تجار این کشورها در اختیار گروهک تکفیری داعش قرار می‌گیرد.

بنا به اعتراف این سرکرده داعشی، برخی منابع مالی داعش از سوی برخی دولت‌های غربی و همچنین رژیم صهیونیستی تامین می‌شود. (www.tabnak.ir) یک روزنامه سوئدی هم به نقل از منابع اختصاصی خود نام ۱۰ نفر از شاهزاده‌ها و شخصیت‌های عربستانی نزدیک به کاخ سلطنتی این کشور را که با علم و آگاهی شاهزاده مقرن بن عبد العزیز رئیس سازمان اطلاعات عربستان و شاهزاده ولید بن طلال از میلیاردرهای بزرگ عربستانی و جهان و صاحب کارتل رسانه ای «ام.بی.سی» تامین کننده هزینه‌های مالی داعش هستند را منتشر کرد. نام و مشخصات این افراد که روزنامه سوری الشوره به نقل از روزنامه «افتون بلادت» سوئد منتشر کرده به شرح زیر است:

- ۱- ناصر الثقیل: پدر زن یکی از پسران عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان.
- ۲- شاهزاده ترکی بن علی آل سعود: داماد مقرن بن عبدالعزیز رئیس سازمان اطلاعات عربستان.
- ۳- علیوی الشمیری: صاحب شرکت بزرگ ساختمان سازی و داماد سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان.
- ۴- حمید المطیری: صاحب ناوگان بزرگ نفت کش و چند شرکت بزرگ سرمایه گذاری در کشورهای غربی.
- ۵- صالح الحضیض: میلیونر عربستانی نزدیک به کاخ سلطنتی.
- ۶- حمد الریس: داماد ولیعهد عربستان و صاحب چندین کاباره در لندن.
- ۷- بلال الحربی: صاحب شرکت پیمانکاری دیار مکه و از نزدیکان به کاخ سلطنتی.
- ۸- عبد العزیز العمر: تاجر بزرگ آهن و مصالح ساختمانی که چندین شرکت در کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و مراکش دارد.
- ۹- علی الجبالی: میلیونر عربستان و شریک ولید بن طلال شاهزاده و میلیاردر معروف.
- ۱۰- أبو بکر القحطانی: تاجر پارچه و لوازم آرایشی که ۴۰ فروشگاه زنجیره‌ای در عربستان داشته و گفته می‌شود دختران آل سعود از مشتریان ثابت فروشگاه‌هایش محسوب می‌شوند. روزنامه فلسطینی المنار در گزارشی که اوایل ماه میلادی گذشته منتشر کرد نوشت: اطلاعاتی در اختیار دارد که نشان می‌دهد عربستان با مشارکت مستقیم دولت آمریکا و

همزمان با شکل‌گیری بهار عربی گروه داعش را بنیان نهاده است و تقریباً تمامی هزینه‌های مالی و تسلیحاتی آن‌را تامین می‌کند تا از شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی دیگر (بیداری اسلامی) ممانعت به عمل آید. (www.tnews.ir)
در زیر به برخی از منابع مالی داعش اشاره می‌شود.

قاچاق مواد مخدر

پیوند میان تروریسم و کاشت و فروش مواد مخدر به گونه‌ای است که بسیاری از تحلیل‌گران بین دو متغیر مطرح ارتباط مستقیمی برقرار نموده‌اند چنانچه امروزه با افزایش گروه‌های تروریستی و اقدامات تروریستی تجارت مواد مخدر نیز افزایش پیدا کرده است. (العالم، ۱۳۹۳) درآمد بالای حاصل از تجارت مواد مخدر به گونه‌ای است که نیروهای داعشی را به تلاش برای یافتن بازارهایی در کشورهای اروپایی و آفریقایی ترغیب نموده است بخش اعظمی از مواد مخدر قاچاق شده به اروپا از مرزهای سوریه و عراق منتقل می‌شود و گروه تروریستی داعش سالانه یک میلیارد دلار به دست می‌آورد. (اژانس خبری پژواک، ۱۳۹۳: ۱)

سرقت از بانک‌ها

به طور کلی داعش با دستیابی به منابع مالی متعدد توانسته جایگزین‌هایی برای حمایت‌های مالی بین‌المللی فراهم کند. یکی از این منابع مالی سرقت از بانک‌ها است. (العالم، ۱۳۹۳) تروریست‌های داعش همواره سرقت از مردم ساکن مناطق تحت سیطره خود و همچنین دستبرد به بانک‌های واقع در سوریه و عراق را به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای مهم تأمین منابع مالی خود در الویت قرار داده‌اند. آنها از زمان شکل‌گیری شان با حمله به شهرها و غارت اموال دولتی از جمله سرقت از بانک‌ها به منابع مالی هنگفتی دست پیدا کرده است. (راه‌دانا، ۱۳۹۴)

سرقت آثار باستانی

آنچه باید متذکر شد این است که با گسترش یافتن تصرفات داعش، میراث فرهنگی دو کشور عراق و سوریه که بخش‌هایی از خاکشان به تصرف این گروه در آمده است، در دست غارت و چپاول است. با این چپاول، گذشته دو کشور در خطر محو شدن است. میراث فرهنگی

کشور سوریه که در معرض تخریب قرار دارد، بسیار متنوع است و از بقایای تمدن تاریخی بین‌النهرین، آشوری‌ها، یونانی‌ها، رومی‌ها، دوره اسلامی متفاوت است. (شبکه خبر، ۱۳۹۳) تروریست‌های داعش با این ادعا که آثار باستانی مصداق بت پرستی هستند دست به تخریب و چپاول آنها زده‌اند. (مسلمانان جهان، ۱۳۹۳) و با تصرف بخش‌هایی از سوریه و عراق با همین انگیزه و تأمین هزینه‌های خود توانست از طریق حفریاتی که در سوریه بدست آوردند، اشیاء مهمی را تصاحب کنند که جزو میراث فرهنگی سوریه بود. این حفریات به خصوص در مناطق اطراف کوه قلمون در غرب دمشق صورت گرفت. قدمت برخی از این آثار به ۸ هزار سال پیش می‌رسد و شاید بهای آنها در بازار آزاد به حدود ۳۶ میلیون دلار برسد. (ایسنا، ۱۳۹۳) (www.hawzahnews.com)

پیامدهای حضور و گسترش داعش در خاورمیانه

تروریسم هر چند از ابتدای هزاره سوم، به ویژه در دستور کار امنیتی کشورها قرار گرفته است، اما شکل اخیر تکفیری آن در خاورمیانه در پی خیزش‌های تازه در جهان عرب از لایه‌های پنهانی سر برآورد که در واقع در قالب یک تهدید جدی امنیتی و در ظاهری به مراتب خشونت آمیزتر ظاهر شده است. وجود شکاف‌های عمیق قومی - مذهبی در خاورمیانه و ژرف‌تر شدن این شکاف‌ها به واسطه جنگ قدرت کشورها در منطقه به همراه خلاء امنیتی ایجاد شده، منطقه خاورمیانه را به بهشت گروه‌های افراطی، همانند داعش تبدیل کرده است. در نتیجه پیامدهای آن، زودتر از موعد خود را نشان داده، به گونه‌ای که امکان تغییر در مرزبندیها بعید به نظر نمی‌رسد.

داعش که از سال ۲۰۰۳ به تدریج در عراق قدرت گرفت و به رغم متحمل شدن ضربات اساسی همچنان ادامه حیات داد، بعد از بحران سوریه و با پیدا شدن فضای سرزمینی مناسب و امکان جذب منابع مالی و انسانی جدید به بازیگری کلیدی در تحولات سوریه و عراق تبدیل شده است. داعش به رغم آنکه احیای عظمت کشورهای اسلامی در گذشته را داشته و مدعی است که سرزمین‌های بین‌النهرین و شام را به یکدیگر ملحق خواهد کرد، اما شاخصه نخست آن سوار شدن بر موج تجزیه طلبی در عراق و سوریه است. بر این اساس عراق با تهدیدات

مهمی از جمله تهدید تجزیه و از بین رفتن یکپارچگی سرزمینی، بروز جنگ داخلی گسترده و همچنین ناکامی روند سیاسی و تغییر نظام سیاسی روبروست. با این حال سیطره داعش تهدیدات جدی را در سطح منطقه‌ای ایجاد کرده است که از جمله رشد افراط‌گرایی و تروریسم، تغییرات مرزی و تجزیه کشورهای منطقه، بروز جنگ قومی و مذهبی در منطقه و تهدید جدی ثبات و امنیت منطقه‌ای می‌باشد.

تحولات اخیر در عراق و سوریه توسط داعش را باید ناشی از یک برنامه ریزی در سطح منطقه دانست که رقابت‌های منطقه‌ای به جای رویارویی مستقیم، به جنگی نیابتی در مناطق نفوذ کشورهای رقیب کشانده شده که پیامدهای بسیاری نیز برای کشورهای هدف و همچنین برای ثبات کل منطقه در پی دارد. (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۷۸)

تسلط داعش بر بخش‌هایی از عراق و سوریه پیامدهای مهم منطقه‌ای در پی دارد که از جمله شامل گسترش رقابت‌ها و اختلافات بین بازیگران منطقه‌ای، احتمال برهم خوردن مرزهای کشورها در صورت تجزیه و از بین رفتن تمامیت ارضی عراق و سوریه، گسترش افراط‌گرایی و تروریسم در سطح منطقه و افزایش تنش‌های قومی و مذهبی، احتمال وقوع جنگ منطقه‌ای با تشدید رقابت‌ها بر سر عراق و تهدید امنیت و ثبات خاورمیانه و تغییر معادلات در بحران‌های منطقه‌ای مانند بحران سوریه می‌شود. (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۹)

داعش و افراط‌گرایی^۱

افراط‌گرایی خشن را شاید بتوان عمده‌ترین چالشی دانست که نه فقط منطقه ما را به هم ریخته است، بلکه همه دنیا را تهدید می‌کند، تهدیدی که هیچ مرزی نمی‌شناسد. این پدیده، تهدیدی بزرگ به شمار می‌آید که تاکنون عراق و سوریه را در نورددیده و سایه تیره خود را بر منطقه انداخته است. روشن است که گستره جهانی این تهدید و جاه طلبی‌های آن در سراسر

^۱ - برگرفته از مقاله دکتر محمدجواد ظریف درباره تکفیری‌ها و داعش: وی در مقاله‌ای که در هاروارد اینترنشنال ریویو منتشر شد تأکید کرد مبارزه با افراط‌گرایی خشن به رویکردی جامع و جهانی نیاز دارد و تهدید گروه‌های تکفیری، نه فقط برای منطقه بلکه برای همه دنیا خطرناک است.

دنیا تأثیری عمده بر جو امنیتی و ژئوپولیتیک در کشورهای همسایه ما و سراسر جهان گذاشته است.

اقدامات بی رحمانه‌ای که افراط‌گرایان خشن در تلاش‌های ستمگرانه خود با پاکسازی قومی و دینی در سوریه و عراق صورت داده‌اند، دنیا را بهت زده کرده است. حمله در اروپا به وسیله گروه‌های مختلف الهام گرفته از القاعده، قتل عام باگا به دست بوکوحرام در ۲۰۱۵، حمله تروریستی در موزه ملی تونس، حمله مرگبار انتحاری علیه غیر نظامیان در جلال آباد افغانستان، سر بردن بیست و یک مسیحی قبطی در لیبی، قتل عام وحشتناک صد و چهل و هفت دانشجوی کالجی در کنیا نشانی روشن از گستره وسیع تهدیدی است که افراط‌گرایی خشن ایجاد کرده است. این پدیده چند دهه پیش با حمله شوروی به افغانستان که باعث ایجاد القاعده و طالبان شد، توجه جهانیان را جلب کرد و بعد از آن با حمله آمریکا به عراق، گروه‌های مختلفی از القاعده در عراق ایجاد شدند و بعد از آن داعش که معمولاً از آن به عنوان دولت اسلامی یاد می‌شود، پدید آمد.

جنایاتی جدی از جمله اعدام، تجاوز، تغییر اجباری دین، شکنجه و به بردگی کشاندن زنان که داعش با بی شرمی آن را در شبکه‌های اجتماعی تبلیغ می‌کند، نشان از بزرگی تهدیدی است که این گروه ایجاد کرده است. جذب نیرو از بیش از نود کشور در سراسر دنیا از جمله بسیاری از کشورهای صنعتی «مردم‌سالار» غربی نشانه‌ای هشدار دهنده از سوء عملکرد ساختاری و اجتماعی بسیاری از کشورهاست که تاکنون از آن غفلت شده است.

رویکرد تکفیری گروه‌های تروریستی این اجازه را می‌دهد که فهرستی گسترده‌تر از افراد را که قربانی بردگی و اعدام کرده‌اند، توجیه و بزرگنمایی کند. با این حال، خشم آنان از اهداف اعلام شده نیز فراتر رفته و اعضای گروه‌های دیگر تکفیری را نیز در بر گرفته است. موارد زیادی از سر بریده شدن اعضای گروه النصره توسط داعش در سوریه و برعکس آن نشان از این روند دارد. (برگرفته از مقاله دکتر ظریف www.irinn.ir)

چرخه باطل مداخله‌گری، افراط‌گرایی و بی‌ثباتی منطقه‌ای

هر چند که می‌بایست ریشه‌های داعش و گروه‌های وابسته به آن را در تحولات تاریخی از تفسیر اشتباه از اسلام جستجو کنیم، می‌بایست به تأثیر تاریخ خونبار اخیر در عراق و تشکیل

و رشد گروه‌های افراط‌گرای خشن نیز توجه کنیم. مداخله سیاسی و نظامی در دنیای اسلام بخصوص بعد از سال دو هزار شرایط و زمینه لازم را برای گروه‌های مردم فریب افراط‌گرا مهیا و کمک کرد تا گروه‌های افراط‌گراتر بیشتر رشد کنند و زمینه برای نهادهای افراط‌گرایی مهیا تر باشد.

داعش پدیده‌ای جدید نیست. این دیدگاه اجماعی وجود دارد که هرج و مرج بعد از سال ۲۰۰۳ به سود افراط‌گرایی خشن بود. داعش، گروهی که از فروپاشی و هرج و مرج ایجاد شد، از بی ثباتی رشد کرد و بعد از حمله به عراق و در طول سال‌های اشغال ایجاد شد. با بروز بحران در سوریه و کمک‌هایی که گروه‌های افراط‌گرا از برخی افراد، مناطق و کشورهای ثروتمند در داخل و خارج از منطقه دریافت کردند، این گروه‌ها فضایی تازه برای تنفس یافتند و هدف باطل دیگری را ایجاد کردند و به هیولاهایی تبدیل شدند که حتی ایجاد کنندگان‌شان و کسانی را که از آنان سود می‌بردند، تهدید می‌کنند. درخواست بین‌المللی آنان از جوانان سرخورده در دنیای عرب بعد از ناکامی عمومی در بهار عربی و در غرب، امکان گسترش حوزه جغرافیایی و میزان فعالیتشان را داد.

مداخلات نظامی در کنار تلاش‌های مهندسی شده نادرست و ناکار آمد در جوامع مناطق غرب آسیا (خاورمیانه‌ای) بازتابی از عمق توهمی است که در سیاست‌های آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی در منطقه وجود دارد. ابتکار به اصطلاح خاورمیانه بزرگ که در چرخه نو محافظه کاران آمریکا ایجاد شد و هدف از آن مهندسی سیاسی و اجتماعی جوامع غرب آسیا (خاورمیانه) و صدور مردم سالاری بود، چارچوبی نظری برای مداخلات نظامی ایجاد کرد. این طرح، مقاومت منطقه‌ای را ایجاد کرد و فقط باعث بی ثباتی هر چه بیشتر شد. طرفداران این دیدگاه حتی نتوانستند تشخیص دهند که مردم سالاری را نمی‌توان با ابزارهای نظامی به مردمی تحمیل کرد و تحت نظارت ارتشی اشغالگر، آن را توسعه داد. آسیبی که روند اجرای این فانتزی ایجاد کرد به قدری زیاد بود که تلاش‌های بعدی برای کاستن از آثار آن، دستاورد اندکی داشته است.

این سیاست‌ها بدون در نظر گرفتن پویایی‌های داخلی منطقه، به تلاش‌هایی سست و نادرست برای وارد کردن الگویی خارجی به جوامعی منجر شد که سنن، فرهنگ و سبک

زندگی کاملاً متفاوتی داشتند. پیامد بی‌ثباتی‌های بعدی در برخی از جوامع باعث قدرت گرفتن گروه‌های افراط‌گرا و ایجاد چرخه‌ای باطل شد که اشغالگری خارجی و افراط‌گرایی خشن، همدیگر را تقویت می‌کنند و باعث گسست فرهنگی و اجتماعی می‌شوند. پیش‌بینی چنین امری چندان دشوار نبود. امروز کسی نمی‌تواند انکار کند که افراط‌گرایی و تروریسم بسیار قویتر و فراگیر از آنچه سرکردگان مردم فریبشان در ۲۰۰۱ تصور یا حتی آرزو می‌کردند، فعالیت می‌کند. (برگرفته از مقاله دکتر ظریف www.irinn.ir)

راهبردی جامع و لازم برای مبارزه با افراط‌گرایی خشن

این اجماع عمده بین‌المللی وجود دارد که داعش، یک ماهیت جنایتکارانه دارد که می‌بایست شکست داده شود و عاملان آن می‌بایست محاکمه شوند. این اجماع نشان می‌دهد که جامعه جهانی منافعی مشترک در شکست دادن داعش و گروه‌های مشابه از جمله گروه‌هایی دارد که حامی درگیری‌های فرقه‌ای هستند. هر چند که این اجماع گسترده یک امتیاز به شمار می‌آید، تبدیل کردن آن به یک اقدام موثر بسیار دشوار است. جامعه جهانی همچنان از داشتن یک راهبرد جامع، منسجم و پایدار برای مقابله با افراط‌گرایی خشن محروم است. چنین راهبردی می‌بایست این مشکل را در کلیت آن بررسی کند و عناصر ذیل را داشته باشد: اول اینکه، این اقدام می‌بایست جهانی، جدی، قانونی، بی‌تبعیض، فراگیر و غیر گزینشی و جدای از الگوهای منسوخ روابط ائتلافی دو طرفه باشد. با این کار، همه عاملان از تلاش برای اولویت دادن ملاحظات سیاسی بر این هدف می‌بایست پرهیز کنند. همچنین این مساله نیز باید در نظر گرفته شود که همه عاملان می‌بایست از استفاده از این مبارزه با افراط‌گرایی خشن به عنوان ابزاری برای ائتلاف سیاسی پرهیز کنند و عملکرد گزینشی و معیارهای دوگانه در این مبارزه را کنار بگذارند. افراط‌گرایی خشن نمی‌تواند برچسبی تازه برای حمله و بیگانه کردن رقبا و دیگران باشد. افراط‌گرایی خشن بسیار فراگیرتر و خطرناک‌تر از آنی است که به یک کشور و منطقه خاصی محدود شود. تلاش جهانی جدی علیه داعش و گروه‌های افراط-گرای مشابه مستلزم هماهنگی‌های ذهنی و تغییرات پارادایمی است.

دوم اینکه، این اقدامات می‌بایست براساس پایبندی کامل به معیارها و اصول قوانین بین‌المللی و بندهای منشور سازمان ملل بخصوص پرهیز از استفاده از نیروی نظامی علیه دیگر کشورها باشد.

سوم، در چنین اقدامی می‌بایست مقرر شود که هرگونه جنگ علیه افراط‌گرایی خشن می‌بایست در مرحله اول و مهمتر از همه، در جبهه فرهنگی و عقیدتی باشد.

چهارم، این کار همچنین می‌بایست مقابله با عوامل کمک و نگاه دارنده فضای لازم برای افراط‌گرایی از جمله دیکتاتوری، فقر، فساد و تبعیض را نیز در بر گیرد. به مسائلی مانند محروم سازی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوانان در غرب و نیز اقدامات تبعیض آمیز و به حاشیه راندن افراد با ریشه‌های خارجی نیز باید رسیدگی شود.

پنجم، بایست اقداماتی را برای مقابله با اسلام‌هراسی که افراط‌گرایان خشن و مسلمانان واقعی را به یک چشم نگاه می‌کند، شامل شود چرا که اسلام‌هراسی به سود داعش و گروه‌های تکفیری دیگر عمل می‌کند و به پیامی که این گروه‌ها ارسال می‌کنند، اعتبار می‌بخشد.

ششم، می‌بایست با همه کشورهای منطقه‌ای و نقش آفرینان بین‌المللی برای دفع افراط‌گرایی و دسترسی آنان به منابع مالی، جذب نیرو و دیگر منابع که برای گسترش ترور در منطقه و فراتر از آن استفاده می‌کنند، تعامل کرد.

هفتم، می‌بایست حمایتی دائم از کشورهایی که به صورت مستقیم درگیر جنگ با افراط‌گرایی هستند، به عمل آید. می‌بایست در تلاش‌های این کشورها برای تقویت وحدت ملی و تمامیت ارضی حمایت به عمل آید. این رویکرد مستلزم کنار زدن گروه‌های مرکز گریز و عدم مداخله چینش قومی و فرقه‌ای است. هر رویکردی برای تضعیف این گروه‌ها در کنار تمایز بین گروه‌ها و بخش‌های جمعیتی به شرط حفاظت از آنان برای شکست دادن داعش لازم است.

هشتم، می‌بایست تمرکز جدید در مبارزه با داعش و گروه‌های همسوی آن و جلوگیری از تضعیف جبهه مشترک علیه افراط‌گرایی در همه اشکالش ایجاد شود. (برگرفته از مقاله دکتر

ظریف www.irinn.ir)

نتیجه‌گیری

بدون تردید از همان آغاز شکل‌گیری گروه‌های تند رو و افراطی در منطقه، سردمداران غربی تنها به دنبال یک چیز بوده‌اند و آن هم ایجاد تفرقه بین گروه واحد اسلامی و برهم زدن اتحاد بین مسلمانان است، تا از این طریق بتواند به اهداف شوم خود دست یابند. در این بین نوک پیکان این سردمداران باید در جایی بنشیند که فضا برای این کار مهیا باشد. با توجه به درگیری‌های داخلی در خاورمیانه و تحولاتی که در این منطقه در حال انجام است، بهترین مکان برای استفاده آنها شکل گرفته است. که در لباس و نقاب و پرچم اسلام، جولان کثیفی را در منطقه شکل داده‌اند.

می‌توان عنوان کرد تروریسم در خاورمیانه از دو بعد اساسی اسلام‌گرایی در جهان اسلام و منطقه را با چالش مواجه خواهند نمود. نخست قطبی‌سازی جوامع اسلامی و دیگر کاهش جذابیت اسلام‌گرایی به دلیل رفتارهای متحجرانه و خشونت‌آمیز جریان‌های تکفیری. در بعد نخست، این جریان‌های تکفیری می‌تواند به قطبی شدن جوامع اسلامی بخصوص در منطقه در قالب تقابل شیعه و سنی شود. در واقع، بازیگران منطقه‌ای به خصوص عربستان سعودی و قطر در تقویت این جریان‌های تکفیری در راستای اهداف استراتژیک شان یعنی کاهش نفوذ ج.ا. ایران در منطقه با شعار خطر هلال شیعی، از نقش ویژه‌ای برخوردار هستند. این رقابت-های استراتژیک و حمایت آنها از جریان‌های تکفیری، می‌تواند منجر به یک جنگ مذهبی در منطقه و در نتیجه تاثیر بازدارنده‌ای بر رشد اسلام‌گرایی خواهد داشت. از نمونه‌های عینی این مفروض می‌توان به درگیری‌های خونین میان گروه‌های مختلف در سوریه و عراق اشاره نمود. از طرف دیگر، رفتارهای متحجرانه و خشن گروه‌های تکفیری مانند داعش در منطقه تا حدود زیادی می‌تواند از جذابیت الگوی اسلام‌گرایی به عنوان یک جایگزین برای لیبرال دموکراسی در جوامع اسلامی بکاهد. بعد از شروع فعالیت‌های جریان‌های تکفیری و رفتارهای خشن این گروه‌ها، رسانه‌های غربی اسلام‌گرایی را در متن این جریان‌های تکفیری تفسیر نموده‌اند و توانسته‌اند تا حدود زیادی به مقایسه این جریان‌های تکفیری با الگوی لیبرال دموکراسی مد نظر خویش پردازند. در این بین چاره کار اتحاد مسلمانان و کمک به همسایگان در راستای دفع این توطئه ی شوم استعمارگران غربی است.

منابع فارسی

کتب

- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۷)، *تحولات و مسائل جدید عراق و رویکرد ایران*، تهران، انتشارات شادان
- (۱۳۹۳)، *خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- باری بوزان، اولی ویور (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مرکز مطالعات سیاسی معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۳)، *گروهک تکفیری داعش؛ پیشینه و عملکرد*
- هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۲)، *دومینوی سقوط در خلیج فارس؛ بیداری چهارم در خاورمیانه*، ترجمه انتشارات موسسه بین‌المللی ابرار معاصر تهران

مقالات

- حیدری، الهام (۱۳۹۳)، *کالبد شکافی جریان «داعش»: بررسی زمینه های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی*، فصلنامه علمی - تخصصی حبل‌المتین، سال سوم، شماره نهم
- داود فیرحی و صمد ظهیری (۱۳۸۷)، *تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم*، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره سی و هشت، شماره سوم
- زهرا مبینی کشه و هادی آجیلی (۱۳۹۳)، *نقش داعش در شکل‌گیری معدلات جدید در خاورمیانه*، فصلنامه علمی - تخصصی حبل‌المتین، سال سوم، شماره نهم
- علی اصغر ستوده و جعفر خزائی (۱۳۹۳)، *آسیب شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه*، فصلنامه علمی - تخصصی حبل‌المتین، سال سوم، شماره نهم
- ملاقادر قادری و شعیب نادر زاده (۱۳۹۳)، *نقش استعمار غربی در شکل‌گیری گروه‌های تندرو و افراطی با تکیه بر حکومت خودخوانده اسلامی (داعش)*، فصلنامه علمی - تخصصی حبل‌المتین، سال سوم، شماره هشتم

- گوهری مقدم، ابوزر (۱۳۸۹)، تأثیر ایدئولوژی بر شکل‌گیری تروریسم جدید، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره هشتم

Ressources

- Campbell, James (2000), **On Not Understanding the Problem**, in Brad Roberts (Ed), **Hype or Reality? The New Terrorism and Mass Casualty Attacks**, The Chemical and Biological Arms Control Institute
- Hill, Christopher, **Iraq after Maleki**. Project- syndicate, the World opening ,aougest 2014
- Tucker, David (2001), **What is New about the New Terrorism and How Dangerous is It ?**, Terrorism and Political Violence, 13:3
- Gerges, F A, (2005), **The Far Enemy: Why Jihad Went Global** Cambridge University Press
- katzman, K, (2008), **Iraq and AlQaeda**, Congressional Research Service

INTERNET SITES

- Friedman, Thomas, **Take a Deep Breath ,ISIS and the Arab World**, New Yourk Times, /2014/09/17
- Cordesman ,A, **Saudi Militants in Iraq Assesment and Kingdom's Response**, <http://www.csis.Org>
- Brown, Cody (2007), **The New Terrorism Debate**, Alternatives: Turkish Journal Of International Relations, Vol . 6, No .3 & 4, Fall & Witer
- www.hawzahnews.com
- www.irinn.ir
- www.Zbidari.blogfa.com
- www.tabnak.ir
- www.tnews.ir